چند نکته درباره سریال نمایش خانگی «دل» به بهانه پایان سریال

دل در گروی بازار

مجتبی اردشیری
روزنامه‌نگار

«جلال مقدم» نام عزیزی در تاریخ سینمای ماست. فیلمسازی که می‌توانست نامش را هم‌ردیف بزرگان دیگری در تاریخ سینمای ما برای طبقه عادی جامعه ماندگار کند، اگر یک اشتباه بزرگ را مرتکب نمی‌شد؛ فیلمسازی که با «پنجره» و «فرار از تله»، گام‌های بزرگی در مسیر تبیین نگاه خاص خود در فیلمسازی اواخر دهه ۴۰ برداشت اما وقتی بلافاصله پس از این دو فیلم، سینمای تجاری و غالب آن روزها را مزه‌مزه کرد و در همان سینما ماند، دیگر نتوانست به سینمای خود بازگردد. در دو دهه اخیر، تعداد فیلمسازانی که این اشتباه را هبردی جلال مقدم را مرتکب شدند، کم نبودند. هرچند آنها هیچ‌گاه استعداد بزرگی چون مقدم نشدند اما قدر مسلم آنکه می‌توانستند با ادامه مسیر طبیعی خود، به جایگاه بهتری به‌نسبت آنچه امروز هستند، برسند. قطعا «منوچهر هادی» یکی از این فیلمسازان است. کارگردانی که از نیمه دهه ۸۰ به‌شکلی حرفه‌ای وارد عرصه فیلمسازی شد و تا توانست فیلم، تله‌فیلم، سریال تلویزیونی و سریال برای شبکه نمایش خانگی ساخت، به‌گونه‌ای که تعداد آثاری که هادی طی این ۱۵ سال کارگردانی کرده به حدود ۲۵ مورد می‌رسد. آثاری که او را تا اندازه‌های نامزدی در جشنواره فیلم فجر بالا برد و سبب شد مخاطبان سالن رسانه‌های جشنواره فجر در برج میلاد، برای پنج دقیقه، فیلم او را ایستاده تشویق کنند و از آن سو، آثاری همچون «دل» ساخت که پس از کلی انتقاد از این شکل فیلمسازی، بازیگرش هم به اعتراض متوسل شد که این کار، توهین آشکار به مخاطب است. با این احوال، «دل» چهارشنبه گذشته پس از ۴۰ قسمت به پایان رسید. سریالی که در ابتدا عنوان شده بود ۲۸ قسمتی است اما در نهایت در ۴۰ قسمت پایان یافت و معلوم نبود اگر صدای اعتراض مخاطبان از این همه آب‌بستن، بلند نمی‌شد، تعداد قسمت‌های این سریال تا کجاها پیش می‌رفت. اما چه شد که «منوچهر هادی» به این روز افتاد و بدتر از آن، چه شد که او با اعتماد به‌نفس بالایی، این انتقادها را می‌کوبد و همچنان خود و نگاهش را مستحق اعتراض نمی‌بیند و اینکه «دل» چه چیزهایی داشت که از همان قسمت‌های ابتدایی، این همه سروصدا و اعتراض را به خود دید.

چه شد که منوچهر هادی به بلای «دل» مبتلا شد

هادی در همان تله‌فیلمهایش که آغازگر مسیر حرفه‌ای‌اش بود، نشان داد که فیلمساز مستعدی است. وقتی پس از دستیاری برای چهره‌هایی چون «کیانوش عیاری» و «اصغر فرهادی»، با «قرنطینه» به‌عنوان نخستین ساخته سینمایی‌اش، قدم در وادی سینما گذاشت نیز همین گزاره مطلوب را تقویت کرد. ادامه کار سینمایی او نیز با درام‌هایی همچون «یکی می‌خواد باهات حرف بزنه»، «دنیای پرامید»، «زندگی جای دیگری است» و «کارگر ساده نیازمندیم» تداوم یافت. به این مصاحبه هادی درباره مسیر فیلمسازی‌اش نگاه کنید. او پیش از نمایش فیلم سینمایی «زندگی جای دیگری است» در جشنواره فیلم فجر در گفت‌وگو با تسنیم فیلمسازی را شبیه شعر گفتن می‌داند و تاکید می‌کند: «فیلمسازی هم مثل مقوله شعر است. کسی که تماشاگر حرفه‌ای سینما باشد با دیدن یکی دو فیلم می‌تواند به این پی ببرد که این فیلم‌ها متعلق به کدام فیلمساز مولفی است، به‌شرطی که فیلمساز مولف باشد، صاحب سبک و تفکر باشد و مسیر فیلمسازی مشخص باشد.» هادی در همان مصاحبه به‌صورت ضمنی خود را جزء فیلمسازان مولف سینمای ایران به‌حساب می‌آورد و در ادامه می‌گوید: «فیلمسازی هست که اصلا ژانر مشخصی ندارد و سینمای او مشخص نیست. گاهی اوقات کمدی می‌سازد، ژانر وحشت می‌سازد، تاریخی هم می‌سازد که البته این هم توانایی خودش را می‌خواهد. اما من توانایی این نوع فیلمسازی را ندارم و سعی می‌کنم ژانر مورد علاقه‌ام را که تا حدی مشخص است و اجتماعی است، دنبال کنم و مسیر خودم در فیلمسازی را طی کنم.»

اما انگار مناسبات جدیدی در سینمای ایران شکل گرفته بود که منوچهر هادی تصمیم به تغییر مسیر گرفت. از سال ۹۴ ورق برای او به‌یکباره برگشت، آن هم با کمدی «من سالوادور نیستم». فیلمی که در ابتدا «مسعود اطیابی» قرار بود آن را در برزیل جلوی دوربین ببرد اما مشخص نشد که چه فعل و انفعالاتی رخ داد که منوچهر هادی که در آن زمان، چهره‌ای بی‌ربط با این مدل سینما بود برای این کار انتخاب شد. فیلم در نوروز ۹۵ روی پرده رفت و توانست با فروش بیش از ۱۵ میلیاردی خود، پرفروش‌ترین فیلم ریالی تاریخ سینمای ایران تا آن زمان شود. بخت البته فارغ از رسیدن کارگردانی این فیلم به هادی، زمانی بیشتر به او روی آورد که شبکه ماهواره‌ای «جم» که آن زمان، مخاطبان بسیاری داشت هم تبلیغات این فیلم را پخش می‌کرد و همین عامل سرازیر شدن مردم به سینماها شد. گویا قرار بود موفقیت‌هایی از این جنس فیلمسازی به‌نام منوچهر هادی ثبت شود تا آغازی بر پایان فیلم‌های قبلی‌اش باشد.

سیل پیشنهاد برای هادی به راه افتاد و وی به‌زعم خود، بهترین پیشنهادها را از میان آن سیل تقاضا برگزید. خود او در گفت‌وگویی که در سال ۹۶ با «ویکی سینما» داشت، گفت: «در همان دو، سه ماه اول اکران «من سالوادور نیستم»، بیش از ۵۰ پیشنهاد داشتم؛ هر روز در چند دفتر قرار داشتم و خیلی فیلم‌های از آن جنس به من پیشنهاد شد که کار نکردم.» هادی راهش را انتخاب کرده بود و در ابتدا کارهایش سروشکل‌دار بود؛ مانند سریال «عاشقانه» اما در ادامه با «آینه بغل» در سینما و «دل» در شبکه نمایش خانگی، ضعیف‌ترین چهره‌ای را که می‌شد از یک کارگردان در مسیر قله متصور شد، به تصویر کشید. مسیری که برخلاف آن نگاه دغدغه‌مند، با خود پول بسیاری برای کارگردان به همراه آورد و او متاسفانه هیچ‌گاه (حداقل تا امروز) دیگر به آنچه خود بود، بازنگشت. هادی در همان گفت‌وگوی سال ۹۶ خود گفت: «من خیلی سخت شروع کردم و خیلی بی‌پشتوانه بودم. الان به جایی رسیده‌ام که یک مقدار راحت‌تر می‌توانم یک فیلم را راه بیندازم. ولی الان نمی‌خواهم مثل فیلمسازانی شوم که در اواخر زندگی‌شان، محتاج پول بازنشستگی و اجاره‌نشینی هستند. من اول باید خانه و زندگی‌ام را تکمیل کنم تا غم نان نداشته باشم. این طوری هم نیستم که طمع کنم. من یکی، دو سال دیگر، هر سال یا دو سال یک‌بار، فیلم می‌سازم و برمی‌گردم به سینمای خودم از جنس «یکی می‌خواد باهات حرف بزنه» و «زندگی جای دیگری است»؛ یک سال روی یک فیلمنامه کار می‌کنم. شاید ۱۵ نفر را بیاورم و به آنها پول بدهم و بنشینیم ۶ ماه بحث کنیم تا یک فیلمنامه بنویسیم.» الان که سه سال از این گفته گذشته، هنوز منوچهر هادی نتوانسته بازگردد و فیلمسازی است که به‌خاطر مناسبات مالی سینمای امروز ایران فیلم می‌سازد.

چرا «دل» نگرفت؟

دل پیش از نمایش، با انتظار بالایی از جانب مردم مواجه بود. بالاخره کارگردان «عاشقانه»، دست روی سوژه‌ای رمانتیک گذاشته بود و این مهم را بارها در تیزرهای تبلیغاتی پیش از آغاز نمایش سریال عنوان کرد. همه منتظر بودند تا سریالی بهتر و یا شاید هم‌ردیف عاشقانه ببینند اما سروصداها از همان نخستین قسمت‌های سریال آغاز شد. هرچند سریال در همان قسمت‌های اولیه، میخ خود را محکم می‌کوبد و تعلیق گم‌شدن عروس در شب عروسی‌اش را پیش می‌کشد اما اطناب و مکث بیش از اندازه روی جزئیاتی که اهمیت دراماتیک چندانی نداشتند و نقشی در پیچیدگی داستان ایفا نمی‌کردند، سبب شد مسیر اعتراض، خیلی زودتر از آنچه انتظار می‌رفت، آغاز شود. نخستین اعتراض‌ها به طولانی شدن سکانس‌های تالار عروسی شکل گرفت. جایی که سریال، حدود چهار قسمت در آن متوقف ماند و درواقع، چهار قسمت «دل» در لوکیشن تالار عروسی فیلمبرداری شد. شکل اعتراض‌ها به اندازه‌ای بود که منوچهر هادی در برنامه‌ای رادیویی عنوان کرد که این مهم درنتیجه اقتضای قصه است و مخاطبان باید صبور باشند تا ادامه داستان را ببینند. همچنین استفاده از «حامد بهداد» و «ساره بیات» نیز دیگر موردی بود که از همان ابتدا، اعتراض‌های بسیاری را متوجه خود کرد: اینکه چرا باید دو بازیگر بالای ۴۰ سال که چهره‌ای بشاش ندارند و چندان قواره نقش‌های عاشقانه به تیپ و صورت آنها نمی‌نشیند، عهده‌دار نقش‌های اصلی سریال شوند، سروصدای بسیاری به راه انداخت. این مهم حتی از سوی «سعید راد» هم مورد انتقاد قرار گرفت و هادی در همان گفت‌وگوی رادیویی، ضمن رد این قبیل اعتراض‌ها عنوان کرد که خانم بیات در زندگی شخصی خودشان هم در شرف ازدواج قرار دارد و ما انتخاب‌های عجیبی نداشته‌ایم. این قبیل حواشی بیشتر در قسمت‌های نخست و انتهایی سریال مطرح شد و میانه سریال بیشتر درگیر اشکالات محتوایی بود تا این گاف‌های عجیب. در قسمت‌های پایانی هم به هوش آمدن «خسروخان» (سعید راد) پس از چند روز در کما ماندن و زدوخورد و آن شکل بیرون آمدنش از اتاق سی‌سی‌یو، حواشی بسیاری را رقم زد تا در کنار ختم به‌خیر شدن عمده کاراکترهای سریال که تنها با «تصاویر» (و بدون پشتوانه دراماتیک) نشان داده شد، آتش زیر خاکستر اعتراض‌ها را بعد مدت‌ها زنده کند تا این اعتراض‌ها در کنار اظهار پشیمانی «سعید راد» از حضور در این سریال، هجمه عجیب و سنگینی را علیه «دل» به راه بیندازد. سکوت عجیب بازیگران و عوامل فیلم و عدم گفت‌وگو با رسانه‌ها در تمام این مدت، از دیگر نشانه‌هایی است که نشان می‌دهد «دل» چندان نتوانسته سلیقه آنها را نیز مجاب کند و این طور که از ظواهر ماجرا پیداست، عمده بازیگران در شرایط کامل نبودن فیلمنامه و با دستمزدهایی خوب، به گروه اضافه شده‌اند و شاید فکرش را هم نمی‌کردند که دستپخت جدید هادی، چندین پله نازل‌تر از «عاشقانه» باشد.

به‌هرحال، آمار چندان دقیقی از سوی پلتفرم‌های اینترنتی و کمپانی توزیع کننده این سریال منتشر نشد اما قدر مسلم آنکه «دل» اتفاق خاصی را برای پایان هفته‌های ما رقم نزد. نتوانست جریان‌ساز شود و مخاطبش را تشنه چهارشنبه‌ها نگه دارد. تا شنیدیم همه جا پر بود از آب‌بستن سریال و فلاشبک‌هایی که کمکی به فهم بهتر قصه نمی‌کرد و مشخص بود که با هدف پر کردن زمان آن قسمت تعبیه شده و البته آهنگ‌ها و تیزرهای بسیاری که در طول ۴۰ قسمت منتشر شد و هیچ‌یک از آنها به جز آهنگ تیتراژ ابتدایی، نتوانست بین مردم گل کند. طبق محاسبه‌ای که یکی از اهالی رسانه از قسمت بیست‌وسوم این سریال داشت، مشخص شد که طی ۵۲ دقیقه‌ای که از این قسمت منتشر شد، با حذف صحنه‌های موزیکال، آنچه دیده‌اید، آنچه خواهید دید و فلاشبک‌ها، تنها حدودا ۲۹ دقیقه روند داستانگویی این قسمت بوده است؛ اتفاقی که تنها محدود به این قسمت نشده و با درپیش گرفتن چنین سیاستی در کلیت سریال، صدای اعتراض مخاطبان را بلند کرد.

البته که «منوچهر هادی» هم بیکار ننشست و در پاسخ به این قبیل اعتراض‌ها عنوان کرد که: «ارشاد اصلا به کمتر از ۴۰ دقیقه مجوز نمی‌دهد و هیچ قسمتی زیر ۴۰ دقیقه داستان نداریم. از داخل و خارج از کشور به من دایرکت می‌دهند که تشنه قسمت بعدی هستند. دل باید به همین شکل ساخته می‌شد و ریتمش همین است که می‌بینید. قصه به اندازه‌ای مخاطب را درگیر کرده که مخاطب کلافه شده و دوست دارد ببیند پایانش چه می‌شود.» اظهارات عجیب هادی تا جایی پیش می‌رود که «دل» را پرتماشاگرترین سریالی عنوان می‌کند که تا امروز ساخته است!

این شکل مواجهه کارگردان با انتقادهایی که از حالت شخصی‌سازی خارج شده و عمومیت یافته بود، سبب شکاف بیشتر مخاطب با این سریال شد و نتیجه به جایی رسید که به قول هادی، از همان قسمت‌های میانی، همه منتظر پایان داستان بودند. اینکه کارگردان «دل» این گزاره را نشانه درگیری مخاطب با داستان سریالش می‌داند، نه تنها بسیار عجیب است بلکه نشان می‌دهد که وی جامعه اطراف خود را آن‌طور که می‌پندارد، به‌خوبی نشناخته و نمی‌تواند فکت‌های مناسبی از آن را به مخاطب درگیر در امور روزمره‌اش ارائه دهد. به‌همین دلیل بسیار پراهمیت، باید برای ادامه راه هادی بسیار نگران بود.

وقتی منطق رخت برمی‌بندد

منوچهر هادی در همان گفت‌وگوی سه سال قبل خود با «ویکی سینما» عنوان می‌کند که: «مردم خسته شده‌اند از سریال‌های تکراری، از کاراکترهای فقیر، از مشکلات خیلی دم‌دستی، لوکیشن‌های کهنه، فرسوده، خانه‌های آجری، حوض وسط حیاط و... واقعا ما الان این چیزها را نمی‌بینیم و هر جا می‌رویم، مجتمع مسکونی است، خانه‌ها، آپارتمانی شده، ماشین‌ها همه شاسی‌بلند شده. آن موقع طرف با پیکان در خیابان می‌خرامید اما الان سانتافه مثل نقل‌ونبات در خیابان‌ها ریخته.» اینها کلیدواژه‌های مشترک چند ساخته اخیر هادی است. لاکچری‌بازی‌هایی که قرار است درام از دل آنها جان گرفته و مخاطب شاهد واکنش این طبقه محدود از جامعه در قبال مشکلات باشد. یکی از نقاط قوت «عاشقانه» ساخته قبلی منوچهر هادی که آن هم در این فضای لاکچری ساخته شد، دوری از اطناب و تعلیق‌های بی‌جان بود. اینکه مانند سریال‌های کم‌مایه ترکی یا آمریکای جنوبی، از زمان به دست گرفتن سلاح و نشانه رفتن آن به‌سمت فرد تا زمان شلیک، دو قسمت می‌گذرد. از این سکانس‌های مرده، در «دل» به‌وفور دیده‌ایم مانند سکانس تماشای تصویر «رستا» (ساره بیات) که وی تا می‌خواست یک عکس پشت‌ورو شده را برگرداند، یک قسمت گذشت. شاید دیگر نتوان به عشق مثلثی سریال ایراد گرفت چون پیش از این نیز در ده‌ها سریال به‌عنوان دستمایه به کار گرفته شده و موارد متعدد آن در جامعه روز هم قابل مشاهده است. نقطه انحرافی داستان اما فکت‌های گمراه‌کننده و اشتباهی است که سریال در مسیر ضدقصه و ضدمنطق به آنها چنگ می‌زند. این فکت‌ها با منطقی رنگ‌ورورفته به اندازه‌ای در کلیت اثر جریان دارند که سبب شکل گرفتن انگاره «توهین» می‌شوند. هر قسمت پر می‌شود از این سکانس‌های مرده. آدم‌های این سریال چندان برای مخاطب قابل شناسایی نیستند؛ عکس‌العمل‌هایشان هم به همین ترتیب. اصرار قصه برای نتیجه گرفتن به‌روز و منطقی از رخدادی که جنسی تماما سوررئال و دراماتیک دارد، برای مخاطبان قابل فهم نیست. هیچ‌یک از اضلاع قصه، ما به‌ازاهای مرسوم و متداول روزمره جامعه ما نیستند و به همین دلیل مخاطب در همان نخستین دقایق سریال آن را پس می‌زند.

این حجم «بی‌منطقی» در سریال سبب شده تا «دل»، روی دست سریال‌های کم کیفیت ترکی هم بزند و عنوان یکی از ضعیف‌ترین سریال‌های تاریخ شبکه نمایش خانگی را به خود اختصاص دهد. این بی‌منطقی تا جایی است که کارگردان حتی یک‌بار با انتقادهای بحق مردم، همگام نشد و تنها روبه‌روی آنها ایستاد و پاسخ انتقادها را داد. برخی جاها هم با سیاست رفتار کرد و عنوان کرد که اگر کسی از سریال خوشش نمی‌آید، من معذرت می‌خواهم. خیلی زیرکانه وارد مصادیق نمی‌شود و آنجا که مصداق‌ها به‌عنوان موارد ضعف داستان از سوی مخاطبان مطرح می‌شوند، با واکنش‌های نه‌چندان خوشایندی بدرقه شدند.

وقتی صاحبان محصول فرهنگی آن را تا اندازه یک کالای مصرفی پایین می‌کشند

منوچهر هادی در طول این ۴۰ قسمتی که از انتشار سریال «دل» گذشت، چند بار به این گزاره نخ‌نما و کلیشه‌ای متوسل شد که: «هر کسی که خوشش نیامد، می‌تواند نبیند.» گزاره‌ای که در تمام این سال‌ها، آن را ده‌ها مرتبه از زبان کارگردانان و تیم تولید فیلم و سریال‌هایی که با انتقاد مواجه می‌شوند، شنیده‌ایم و تنها گذر زمان نشان داده که آن آثار تا چه اندازه توانسته‌اند خود را در تاریخ ماندگار ببینند.

این آثار ماندگار نمی‌شوند چون فرهنگ مصرف‌گرایی را ترویج می‌کنند. برای یک برهه کوتاهی، خوراک مناسب یا نامناسبی را به مخاطبان خود می‌دهند و اندوخته‌ای را برای تیم تولید به همراه می‌آورند و دیگر مهم نیست که با چه میزان از تاثیرگذاری یا ماندگاری مواجه می‌شوند. این قبیل جملات به این دلیل خطرناک و فاقد هرگونه وجاهت منطقی و رفتاری است که صاحبان آثار، محصولات فرهنگی و تمام موارد موجود در آن را در اندازه‌های کالای مصرفی پایین کشیده و تقلیل می‌دهند و به جای اینکه در اثر بعدی خود به ترمیم آسیب‌شناسانه این فرآیند کمک کنند، در پی پاسخ به منتقدانی هستند که روال غیرمنطقی یا ترویج مصرف‌گرایی را با زبان ساده و معمول خودشان به سوال کشیده و به جای قبول اشتباه، با اظهارنظرهای جسورانه و به قول «سعید راد»، «قابل تامل» مواجه می‌شوند.

محصولات فرهنگی پیرامون ما، اتمسفر زندگی و جامعه ایرانی را سروشکل می‌دهند، این گزاره که «هر کس این سریال را دوست ندارد؛ نبیند!» برآمده از نگاه فیلمسازی چند سال اخیر است که پول و سرمایه تولیدش را پیش از نمایش و اکران اثرش درآورده و نتیجه‌اش همین است که فیلمساز دیگر دلش برای مخاطب و فروش آن نمی‌سوزد. طبیعی است، وقتی قرار نیست حمایت و قضاوت مخاطبان، روی فروش قسمت‌های بعدی اثر بگذارد، کارگردان هم ذره‌ای از انتقادها را به جان نمی‌خرد و یک‌بار نمی‌گوید: «اشتباه کردم.» مهم‌تر اینکه در پس نگاه «هر کس این سریال را دوست ندارد؛ نبیند!»، غفلت چند ساله اخیر دستگاه‌های فرهنگی هم کاملا مشهود است؛ تکرار فرآیند ناقص تولید یک اثر فرهنگی باعث شده شکل جدیدی از فیلمسازی رشد و نمو یابد که فیلمسازش، محصولات فرهنگی را در حد اقلام مصرفی بقالی سرکوچه‌شان تقلیل داده و بگوید حالا که نمی‌خواهی، نخر! حال اینکه، همین محصول تصویری که وارد چرخه نمایش کشور شده است، چه بخواهیم و چه نخواهیم، تکه‌ای از پازل فرهنگ تصویری کشور را طراحی می‌کند.

فرهیختگان
سایت روزنامه
www.FARHEEKHTEGAN.ir

آگهی مناقصه

دانشگاه آزاد اسلامی واحد صفادشت در نظر دارد نسبت به برون‌سپاری امور مربوط به خدمات و نظافت واحد به صورت حجمی به پیمانکار واجد شرایط از طریق برگزاری مناقصه عمومی اقدام نماید. بدین منظور از شرکت‌های واجد شرایط (دارای سابقه کار) دعوت می‌گردد جهت کسب اطلاعات لازم و دریافت اسناد مناقصه با در دست داشتن معرفی‌نامه و فیش واریزی مبلغ ۴۰۰/۰۰۰ ریال به شماره حساب ۰۲۱۶۴۸۸۷۲۴۰۰۳ نزد بانک ملی شعبه صفادشت به آدرس صفادشت-میدان نبی‌اکرم(ص)-بلوار الغدیر-امور حقوقی واقع در طبقه سوم ساختمان شماره ۱ حضور یابند. ضمنا دانشگاه در رد یا قبول پیشنهادات مختار است. هزینه درج آگهی به عهده برنده مناقصه می‌باشد. **هنگام دریافت اسناد مناقصه، همراه داشتن اصل تاییدیه صلاحیت اداره کار و اصل تاییدیه صلاحیت ایمنی دارای اعتبار الزامی می‌باشد.** سایر جزئیات در اسناد مناقصه ذکر گردیده است. **حداکثر زمان فروش و عودت اسناد:** ۱۰ روز کاری از تاریخ درج آگهی. تلفن تماس: ۰۲۱۶۵۴۳۸۴۱۶ داخلی ۱۰۷۲ (امور حقوقی)

نوبت دوم

آگهی مناقصه

دانشگاه آزاد اسلامی واحد پرند و رباط کریم واقع در آزادراه تهران- ساوه، شهر جدید پرند، در نظر دارد اجرای کلیه امور نگهداری و آبرسانی فضای سبز دانشگاه را به صورت حجمی بر اساس متراژ ابنیه به شرح اسناد مناقصه به مدت یک سال به شرکت‌های واجد شرایط، از طریق مناقصه عمومی واگذار نماید.
- **هزینه خرید و دریافت اسناد:** ارائه اصل رسید مبلغ واریزی ۱۰۰۰,۰۰۰ ریال (غیرقابل استرداد) به حساب ۰۱۰۵۳۸۴۶۴۲۰۰۵ در وجه دانشگاه آزاد اسلامی واحد پرند به همراه معرفی‌نامه از شرکت.
- **مهلت خرید و تحویل اسناد:** ۱۰ روز کاری به جز پنجشنبه‌ها از تاریخ انتشار آگهی مورخ ۹۹/۷/۰۶ تا ۹۹/۷/۱۹ در ساعت اداری (از ساعت ۰۹:۰۰ الی ۱۵:۰۰)
- ارائه اصل فیش واریزی و یا ضمانت‌نامه بانکی معتبر به مبلغ ۱۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال به حساب فوق‌الذکر جهت تضمین شرکت در مناقصه.
- متقاضیان شرکت در مناقصه می‌توانند جهت اطلاع از شرایط و خرید اسناد به دبیرخانه کمیسیون معاملات واحد پرند، مراجعه نمایند.
- هزینه چاپ آگهی به عهده برنده مناقصه خواهد بود.
- دانشگاه در رد یا قبول پیشنهاد اختیار تام دارد.

نوبت دوم

آگهی مناقصه

دانشگاه آزاد اسلامی واحد پرند و رباط کریم واقع در آزادراه تهران- ساوه، شهر جدید پرند، در نظر دارد اجرای کلیه امور خدمات نظافتی دانشگاه را به صورت حجمی بر اساس متراژ ابنیه به شرح اسناد مناقصه به مدت یک سال به شرکت‌های واجد شرایط، از طریق مناقصه عمومی واگذار نماید.
- **هزینه خرید و دریافت اسناد:** ارائه اصل رسید مبلغ واریزی ۱۰۰۰,۰۰۰ ریال (غیرقابل استرداد) به حساب ۰۱۰۵۳۸۴۶۴۲۰۰۵ در وجه دانشگاه آزاد اسلامی واحد پرند به همراه معرفی‌نامه از شرکت.
- **مهلت خرید و تحویل اسناد:** ۱۰ روز کاری به جز پنجشنبه‌ها از تاریخ انتشار آگهی مورخ ۹۹/۷/۰۶ تا ۹۹/۷/۱۹ در ساعت اداری (از ساعت ۰۹:۰۰ الی ۱۵:۰۰)
- ارائه اصل فیش واریزی و یا ضمانت‌نامه بانکی معتبر به مبلغ ۲۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال به حساب فوق‌الذکر جهت تضمین شرکت در مناقصه.
- متقاضیان شرکت در مناقصه می‌توانند جهت اطلاع از شرایط و خرید اسناد به دبیرخانه کمیسیون معاملات واحد پرند، مراجعه نمایند.
- هزینه چاپ آگهی به عهده برنده مناقصه خواهد بود.
- دانشگاه در رد یا قبول پیشنهاد اختیار تام دارد.

گواهینامه موقت اینجانب مهدی درویشی فرزند فرشید به شماره شناسنامه ۱۷۰۰ صادره از اهواز در مقطع کارشناسی ارشد رشته مدیریت دولتی صادره از واحد دانشگاهی شوشتر مفقود گردیده است و فاقد هر گونه اعتبار می‌باشد. از یابنده تقاضا می‌شود اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد شوشتر به نشانی شوشتر منطقه شوشتر نو- بلوار دانشگاه- دانشگاه آزاد اسلامی واحد شوشتر کد و صندوق پستی ۶۴۵۱۷۴۱۱۱۷ ارسال نماید.

مدرک فارغ‌التحصیلی اینجانب غلامرضا گودرزی فرزند رضا به شماره شناسنامه ۶۹۶ صادره از تهران در مقطع کارشناسی ناپیوسته رشته آموزش ابتدایی صادره از واحد دانشگاهی کرج با شماره ۷۳۱۱۵۰۰۹۲ مفقود گردیده است و فاقد اعتبار می‌باشد. از یابنده تقاضا می‌شود اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج به نشانی کرج، رجایی‌شهر، تقاطع بلوار شهید موذن و استقلال، مجتمع دانشگاهی امیرالمومنین ارسال نماید.

کارت و برگ سبز خودرو پژو ۴۰۵ مدل ۹۵ به رنگ خاکستری متال به شماره موتور 124K0922434 و به شماره شاسی NAAM01CE9GK429014 و به شماره پلاک ۱۴-۱۸۸ و ۹۵ مفقود و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.